Economic Jurisprudence Studies
Review on New Researches of Jurisprudence and Law
2021 - 2022

Convention on the Law of the Sea's approach adopted in 1982 to maritime disputes about the Arash gas field

Mehdi Rezaei[1], Alireza Arashpour[2*], Gholamhossein Massoud[3]

1. PhD Student in International Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
2. Associate Professor, Department of Law, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
3. Assistant Professor of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 485-504

Article history:

Received: 3 Oct 2021

Edition: 3 Nov 2021

Accepted: 29 Dec 2021

Published online: 15 Mar 2022

Keywords:

Convention on the Law of the Sea (1982), Maritime Disputes, Arash Gas Field, Peaceful Settlement of Disputes

Corresponding Author:
Alireza Arashpour
Address:
Associate Professor, Department of Law, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
Orchid Code:
0000-0003-0625-5947
Tel:
09133289281
Email:
A_arashpour@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Arash gas field is one of the important sources of dispute between Iran and Kuwait and Saudi Arabia in the Persian Gulf, which has not been studied yet. The issue addressed in this Paper in light of the 1982 Convention on the Law of the Sea's approach to the settlement of seas disputes is examined.

Materials and Methods: This article is Analytical descriptive and the library method uses.

Ethical considerations: In this article, Originality of texts, honesty and trusteeship Has been complied with.

Results: According to the Convention on the Law of the Sea (1982), governments are required cooperating with each other in disputes over common offshore oil and gas in order to conclude an agreement and avoiding actions that the conclusion of the agreement would jeopardized. The Convention on the Law of the Sea's international law a single, defined version of the settlement of disputes, except for some general rules for the peaceful settlement of disputes, does not provide and the settlement of disputes under international law of the sea to bilateral or multilateral agreements is entrusted. This also to the Arash gas field applies.

Conclusion: The unilateral actions of Kuwait and Saudi Arabia in the exploitation of Arash gas field are contrary to the guidelines of the Convention on the Law of the Sea, it is necessary for the Iranian government exploiting this field and at the same time negotiate a trilateral agreement with Kuwait, Saudi Arabia continue.

Cite this article as: Rezaei M, Arashpour A, Massoud Gh. Convention on the Law of the Sea's approach adopted in 1982 to maritime disputes about the Arash gas field. *Economic Jurisprudence Studies 2021-2022*; Review on New Researches of Jurisprudence and Law.

© تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انجمن علمی حقوق بشر اسلامی ایران می‌باشد.

مطالعات فقه اقتصادی
ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق ۱۴۰۰

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق، ۱۴۰۰

رویکرد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نسبت به اختلافات دریایی با نگاهی به میدان گازی آرش

مهدی رضائی[۱]، علیرضا آرش‌پور[۲]*، غلامحسین مسعود[۳]

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۰۴-۴۸۵

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

واژگان کلیدی:

کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، اختلافات دریایی، میدان گازی آرش، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات.

نویسنده مسوول:

علیرضا آرش‌پور

آدرس پستی:

ایران،اصفهان،اصفهان،دانشگاه اصفهان، دانشیار گروه حقوق.

تلفن:

۰۹۱۳۳۲۸۹۲۸۱

کد ارکید:

0000-0003-0625-5947

پست الکترونیک:

A_arashpour@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: میدان گازی آرش از منابع مهم مورد اختلاف ایران با کویت و عربستان در خلیج فارس است که تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته و در این مقاله تلاش شده موضوع مورد اشاره با توجه به رویکرد کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ نسبت به حل و فصل اختلافات دریاها بررسی شود.

مواد و روش‌ها: مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: مطابق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، دولت‌ها درخصوص اختلافات مربوط به نفت و گاز مشترک دریایی لازم است با حسن‌نیت در راستای انعقاد توافق‌نامه با یکدیگر همکاری و از دست به اقداماتی که انعقاد توافق را به مخاطره بیاندازد، اجتناب نمایند. کنوانسیون ۱۹۸۲حقوق بین‌الملل دریاها به جز برخی قواعد کلی دال بر حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، نسخه واحد و تعریف‌شده‌ای برای رفع اختلافات ارائه نمی‌کند و رفع اختلافات در حقوق بین‌الملل دریاها به انعقاد توافق‌نامه های دو یا چندجانبه واگذار شده است. این امر درخصوص میدان گازی آرش نیز مصداق دارد.

نتیجه: با توجه به اقدامات یک‌جانبه کویت و عربستان سعوی در بهره‌برداری از میدان گازی آرش که مغایر دستورالعمل کنوانسیون حقوق دریاهاست، لازم است دولت ایران نیز به بهره‌برداری در این میدان دست زده و هم زمان به گفتگو جهت رسیدن به توافق سه‌جانبه با کویت و عربستان ادامه دهد.

۱. مقدمه

براساس قواعد حقوق بین‌الملل، دولت‌ها دارای حق حاکمیت بر منابع طبیعی در بستر و زیر بستر دریاها در مناطق فلات قاره و همچنین منطقه انحصاری اقتصادی هستند. اما بخش عظیمی از منابع نفت و گاز در مناطق دریایی و در حدود مرزهای دریایی کشورهای مختلف قرار گرفته و بنابراین موضوع اختلاف میان دولت‌های همجوار است. یکی از این میادین، میدان گازی آرش در مرز ایران، کویت و عربستان سعودی است. میدان گازی آرش، از میادین مشترک میان ایران، کویت و عربستان است که اختلافات مربوط به آن هنوز لاینحل باقی مانده است. این میدان گازی که کویت و عربستان آن را الدوره می‌نامند (جعفری ولدانی، ۱۳۹۵، ۱۰۱). در آب‌های خلیج فارس و از نظر عرف بین‌المللی در آب‌های ساحلی ایران و کویت قرار دارد. میدان آرش در سال ۱۳۴۶ کشف شد. امتداد ساختمان میدان آرش در آب‌های ایران و ناحیه بی‌طرف بین کویت و عربستان، به میدان الدوراء کویت می‌رسد. طبق این مرز حدود چهل درصد ساختمان نفتی و گازی موجود میدان آرش، در آب‌های ایران قرار دارد. سال‌ها پیش شرکت ملی نفت ایران به‌منظور تعیین میزان ذخائر میدان گازی آرش، اقدام به حفر یک حلقه چاه اکتشافی (چاه شماره یک آرش) نمود که موقعیت این چاه نزدیک به خط مرزی مورد قبول ایران است (خادم، ۱۳۸۴، ۸۵). طی سال‌های گذشته کشور کویت با مستمسک قرار دادن نتایج لرزه‌نگاری انجام‌شده توسط شرکت شل برای این کشور، اقدام به تعریف خط مرزی جدید نموده که براساس این مرز کل ساختمان میدان آرش در بخش عربی میدان قرار می‌گیرد، اما این مرز هیچ‌گاه مورد پذیرش کشورمان قرار نگرفته است (حشمت‌زاده و غلامی، ۱۳۸۷، ۸۳). اخیراً وزرای انرژی عربستان سعودی و کویت طی قراردادی، درباره توسعه و بهره‌برداری از میدان گازی الدوره در آب‌های خلیج‌فارس توافق کردند که پیش‌بینی می‌شود از این میدان گازی روزانه یک میلیارد فوت‌مکعب گاز طبیعی و ۸۴ هزار بشکه میعانات گازی برداشت شود (صیرفی، ۱۳۹۷، ۴۹۱). اقدام عربستان و کویت مورد اعتراض ایران قرار گرفته است. اختلاف ایران با کویت و عربستان درخصوص میدان گازی آرش از جمله مسائلی است که بحث رجوع به رویکرد قواعد حقوق بین‌الملل دریاها نسبت به اختلافات دریایی درخصوص میادین نفت و گاز مشترک را مطرح می‌سازد. این اصل که حقوق بین‌الملل به‌عنوان حافظ نظم بین‌المللی باید درصدد راه‌حل‌های چاره‌جویانه برای حل مشکلات و اختلافات باشد (چرچیل، ۱۳۸۳، ۲۲۸-۲۲۱)، بحثی تحت این عنوان را به دنبال دارد که رویکرد کنوانسیون حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲ در این خصوص چیست. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مسائلی چون حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی بستر و زیر بستر دریا، حقوق و تعهدات دولت‌ها در مناطق دریایی و ضوابط حاکم بر تحدید حدود دریایی را روشن ساخته‌اند، لکن به‌طور صریح و مستقل به رژیم حقوقی حاکم بر بهره‌برداری از منابع طبیعی مشترک اشاره‌ای ننموده‌اند. این سکوت موجب

شده تا مجال برای مناقشات و مجادلات حقوقی میان نظریه‌پردازان فراهم گردد. موضوع میادین مشترک نفت و گاز در یک دوره زمانی در دستورکار این کمیسیون قرار گرفت ولی به دلیل ملاحظات فنی، عملی و سیاسی از قبیل جهان‌شمول نبودن موضوع، پیچیدگی تکنیکی مسائل مربوط به نفت و گاز، حساسیت سیاسی و عدم اقبال کشورها و تدوین قواعد حقوقی در این زمینه آن را از دستورکار خود خارج کرد (آی.ال.سی، ۲۰۱۰، ۷). صیرفی، در مقاله‌ای به بررسی تعیین حد خارجی فلات قاره در پرتو ماده ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاها پرداخته است (صیرفی، ۱۳۹۴). رضا دهقانی، در مقاله‌ای، ابعاد مختلف رژیم حقوقی حاکم بر منابع مشترک نفت و گاز را مورد بررسی قرار داده است (دهقانی، ۱۳۹۵). احمد سزاوار، در مقاله‌ای، چگونگی بهره‌برداری از منابع نفت و گاز مشترک واقع در مرز بین‌المللی از دیدگاه حقوق بین‌الملل را بررسی کرده است (سزاوار، ۱۳۹۹). اما موضوع اختلاف ایران با عربستان و کویت درخصوص میدان گازی آرش در پرتو کنوانسیون حقوق دریاها مورد توجه قرار نگرفته است. براساس آنچه گفته شد، سوال اساسی که در این مقاله مطرح و بررسی می‌شود این است که اختلافت ایران، کویت و عربستان سعودی درخصوص میدان گازی آرش براساس کنوانسیون حقوق بین‌الملل دریاها را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ مقاله پیش‌رو درصدد است به بررسی این موضوع بپردازد. بر همین اساس ابتدا رویکرد کنوانسیون حقوق دریاها درخصوص حل و فصل اختلافات منابع نفت و گاز و رویه عملی دولت‌ها بررسی می‌شود، سپس حدود دریایی سه کشور ایران، کویت و عربستان سعوی بررسی شده و اختلاف سه کشور درخصوص میدان گازی آرش در پرتو رویکرد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها بررسی می‌گردد.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

مطابق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، دولت‌ها درخصوص اختلافات مربوط به نفت و گاز مشترک دریایی لازم است با حسن‌نیت در راستای انعقاد توافق‌نامه با یکدیگر همکاری و از دست به اقداماتی که انعقاد توافق را به مخاطره بیاندازد، اجتناب نمایند. کنوانسیون ۱۹۸۲حقوق بین‌الملل دریاها به جز برخی قواعد کلی دال بر حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، نسخه واحد و تعریف-شده‌ای برای رفع اختلافات ارائه نمی‌کند و رفع اختلافات در حقوق بین‌الملل دریاها به انعقاد توافق‌نامه‌های دو یا چندجانبه واگذار شده است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که یک قاعده عرفی کلی مبنی بر همکاری، انجام مذاکره با حسن‌نیت و منع اقدام یک‌جانبه به‌منظور حل و فصل اختلافات در میادین مشترک نفت و گاز حاکم

است. قاعده کلی مورد تأیید و تأکید کنوانسیون حقوق دریاها همکاری است. به سخن دیگر، حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود در صورت تعارض با حاکمیت دولت‌های دیگر بر منابع‌شان، اطلاق خود را از دست داده و به نفع قاعده همکاری تخصیص می‌خورد. این امر درخصوص میدان گازی آرش نیز مصداق دارد.

۵. بحث

۵-۱. رویکرد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها درخصوص حل و فصل اختلافات درخصوص میادین مشترک نفت و گاز

اگرچه معاهدات عام و قانون‌ساز همان‌گونه که از نام آنها برمی‌آید، می‌توانند الزامات بین‌المللی را برای دولت‌ها ایجاد نماید و در هماهنگ و یکنواخت‌نمودن رویه دولت‌ها اثرگذار باشند. اما در زمینه قواعد مربوط به بهره‌برداری از منابع مشترک هیچ معاهده عامی در سطح بین‌المللی وجود ندارد و این یکی از نقاط ضعف مباحث حقوق نفت و گاز از یک‌سو و حقوق بین‌الملل از سوی دیگر است (هوشمند، ۲۰۰۳، ۱۳). شاید مرتبط‌ترین معاهده قانون‌ساز بین‌المللی که به بیان برخی از جزئیات و وجوه بهره‌برداری منابع طبیعی از جمله معادن پرداخته است، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌باشد. این کنوانسیون در ماده ۱۲۳ خود به اصل کلی همکاری در سطح منطقه‌ای پرداخته و مقرر می‌دارد که: «دولت‌های دارای دریای بسته یا نیمه‌بسته باشد باید با یکدیگر در اعمال حقوق خود و در اجرای تکالیف خود همکاری نمایند». به نظر می‌رسد ماده مذکور از یک توصیه صرف فراتر رفته و تعهدی حقوقی را در مورد فعالیت‌های ذکرشده در ماده ایجاد می‌نماید و این بدان دلیل است که معتقدند که منشور ملل متحد و اعلامیه راجع به اصول حقوق بین‌الملل ۱۹۷۰ نیز این اصل را به نوعی دیگر ذکر نموده‌اند (فاکس، ۱۹۸۹، ۳۰-۲۳). از سوی دیگر نظر مبتنی بر جنبه تشویقی و اخلاقی بودن ماده نیز رد می‌شود چرا که اگر قصد واقعی تدوین‌کنندگان جنبه اخلاقی امر بود، نیازی به ذکر و درج آن در کنوانسیون نبود. در هر حال، به نظر می‌رسد، می‌توان قائل به این تفسیر شد که دولت‌های ذینفع در منابع مشترک، به مذاکره و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات از طریق انعقاد توافق‌نامه، ملزم شده‌اند.

مطابق ماده ۸۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، همه دولت‌ها متعهد شده‌اند در زمینه تعیین حدود قلمرو دریایی خود و به منظور دستیابی به توافقنامه فی‌مابین تلاش نمایند و توافق‌نامه صورت گرفته می‌تواند در زمان کشف منابع نفت و گاز مشترک، مبنای توافق قرار گیرد. از اینرو درصورت حدوث اختلاف در مورد حدود میادین موجود در بستر و زیر بستر دریا در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی وفق ماده ۸۳، تحدید حدود این مناطق و تعیین سهم هریک از دول دارای سواحل مجاور یا مقابل می‌بایست با توافق آنها براساس حقوق بین‌الملل به نحو مقرر در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری انجام می‌گیرد تا راه‌حل عادلانه حاصل شود. علاوه بر آن، مواد ۷۴

کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها که حاوی حکم مشابهی است و مقرر می‌دارد که طرفین «مادام که به توافق نهایی دست نیافته‌اند، با تفاهم و همکاری می‌بایست هرگونه تلاشی را برای اتخاذ تدابیر موقت که دارای ماهیت عملی می‌باشد. برای دوره مشخص به کار گیرند به‌گونه‌ای اقدام کنند که توافق نهایی آنها دچار مخاطره نشود. چنین ترتیبات موقتی خدشه‌ای به تحدید حدود نهایی وارد نمی‌سازد.» عملاً ماده ۷۴ کنوانسیون حقوق دریاها، برای دولت‌ها تا زمان حصول توافق، وظایفی را تعریف کرده است: نخست اینکه از هرگونه اقداماتی که انعقاد توافق را به مخاطره اندازد خودداری کرده و دوم اینکه تدابیر لازم را در راستای رسیدن به تفاهم و همکاری اتخاذ نمایند (دیوید، ۱۹۹۹، ۷۸۳). براساس مواد مذکور، هرگونه اقدام یک‌جانبه دولت‌ها در بهره‌برداری یک‌جانبه از منابع نفت و گاز مشترک که سبب به مخاطره افتادن توافق نهایی میان طرفین گردد، ممنوع است. اگرچه براساس مقررات مذکور، اصل، لزوم همکاری طرفین اختلاف است، ولی محتوا و حدود و ثغور این اصل و این الزام مبهم می‌باشد (کسمتی، ۱۳۸۶، ۳۸۷-۳۸۶).

به سخن برانلی و برخی از حقوقدانان دیگر علی‌رغم ابهامات در نحوه توافق در مواد مورد اشاره، شروط و قیود مورد بحث، سنگ‌بنایی را برای بسیاری از موافقت‌نامه‌های آحادسازی مخازن فرامرزی معدنی در سراسر جهان فراهم نموده است. اما ترتیبات این قیود نامشخص است (راینر لاگونی، ۱۹۸۴، ۳۵۸). حقوق بین‌الملل در این موارد، مورد تأکید قرار گرفته است. ماده ۱۴۲ کنوانسیون حقوق دریاها با اشاره به منابع و مخازن در محدوده صلاحیت ملی و منطقه‌ای بستر دریا می‌تواند به عنوان یک راهنمای عمل صریح مورد توجه قرار گیرد. این ماده حقوق و منافع مشروع دول ساحلی را مورد تأکید قرار داده است، چنانکه فعالیت‌های داخل منطقه درخصوص مخازن باید با در نظر گرفتن حقوق و منافع دول ساحلی باشد و با سیستم پیش‌آگاهی و مشورت از صدمه به آنها خودداری نمود و در بهره‌برداری و استخراج منابع باید رضایت دول ساحلی ذینفع اتخاذ شود (نگوین کک دین، ۱۳۸۴، ۱، ۷۸۹). این اصول و قواعد می‌تواند برای رژیم استخراج و بهره‌برداری مشترک بین دول ذینفع و مقام بین‌المللی بستر دریا همانند آنچه بین دو دولت یا چند دولت وجود دارد، به دست آید.

کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات دریایی روش‌هایی را ارایه کرده است. اولین روش پیشنهادی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، مذاکره و سازش است. مطابق ماده ماده ۲۷۹، کنوانسیون مذکور، دولت‌ها باید اختلافات خود را به شیوه مسالمت‌آمیز حل و فصل نمایند و براساس ماده ۲۸۴، چنانچه کشورهای طرف اختلاف، به طرق مورد توافق خود نتوانند، مسائل مورد اختلاف را حل و فصل نمایند، می‌توانند به روش سازش متوسل شوند. الزام کشورها به مذاکره پس از بروز اختلاف، یک تعهد به وسیله است. اما در چارچوب کنوانسیون حقوق دریاها سازش علاوه بر جنبه غیرالزامی، جنبه

اجباری هم پیدا کرده است. البته سازش اجباری را نباید در شمار شیوه‌های اجباری حل و فصل اختلافات به شمار آورد. توسل به سازش الزامی است ولی نتایج آن اجباری نیست (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۳، ۴، ۳۲). الزام به مذاکره اولیه نظام حل و فصل اختلافات در کنوانسیون دریاها اساساً یک نظام ثانوی است بدین معنا که طرفین در بادی امر مکلف به تبادل دیدگاه‌های خود و انجام مذاکرات گیش از توسل به آیین‌های اجباری هستند. و آنگاه آنان می‌توانند به انتخاب خود توافق کنند که روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز دیگری را برای فیصله اختلاف خود برگزینند (بیگ‌زاده، ۱۳۹۳، ۲۱). ثانوی‌بودن این نظام به این معناست که چنانچه طرفین پیش از این توافق نموده‌اند که به روش دیگری رجوع کنند و به روش مقرر در بخش پانزدهم متوسل نشوند، این امکان را از خود سلب نموده‌اند که به‌طور یک‌جانبه به دیوان کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها توسل جویند.

دیوان بین‌المللی حقوق دریاها روش دیگر حل و فصل اختلافات در کنوانسیون مورد بحث است. فکر ایجاد دادگاهی جدید مربوط به حقوق دریاها در کنفرانس سوم ملل متحد در ژنو مورد بحث و بررسی قرار گرفت. ریشه این کنفرانس در واقع کمیته ویژه بستر دریاها بود که در سال ۱۹۶۷ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای بررسی مسأله بستر اعماق دریاها در ماورای محدوده صلاحیت ملی بر فلات قاره تأسیس شد. ضرورت توسعه صلاحیت شخصی از دولت‌ها به اشخاص حقیقی و حقوقی تحت مدیریت دولت‌ها در تأسیس دادگاه دریاها نقش محوری ایفا نموده است (خارا رائو، ۱۳۸۴، ۲۶۷). دادگاه حقوق بین‌الملل دریاها هیچ‌گاه به‌عنوان یک ارگان دارای صلاحیت انحصاری تحت لوای یک سیستم حقوقی مطرح نبوده است (مدنی، ۱۳۹۲، ۶۶). در حقیقت دادگاه حقوق بین‌الملل دریاها از آیینی بهره می‌برد که رجوع به آنها الزامی است اما منجر به تصمیمات الزام‌آور نمی‌گردد. مسائل راجع به تحدید حدود مناطق منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره و یا اختلافات راجع به تنگه‌ها و حقوق تاریخی ماهیت اختلافاتی که می‌تواند در دیوان کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مطرح شده و فیصله یابد عبارت است از هرگونه اختلاف مربوط به تفسیر یا اجرای کنوانسیون دریاها و هر نوع موافقت‌نامه دیگری که به اهداف این کنوانسیون مرتبط باشد. علاوه بر دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، طرفین می‌توانند به دیوان بین‌المللی دادگستری و یا دیوان داوری نیز رجوع نمایند.

۵-۲. رویه عملی دولت‌ها در حل و فصل اختلافات میادین مشترک نفت و گاز

با نگاهی به رویه دوجانبه دولت‌ها درخصوص منابع نفت و گاز مشترک در چند دهه اخیر، می‌توان گفت که همکاری در اکتشاف و بهره‌برداری از این منابع مناسب‌ترین و مؤثرترین راه برای این مسئله خواهد بود و به همین خاطر است که در حال حاضر قراردادهای بهره‌برداری مشترک بسیاری در مناطق مختلف جهان انعقاد یافته است که با توجه به داشتن شرایطی معین می‌توان از آن برای رسیدن

به یک قاعده عرفی بین‌المللی در زمینه منابع مشترک هیدروکربنی دست یافت. این موافقت‌نامه‌ها به دلیل تعداد روزافزون آنها و همچنین پراکندگی جغرافیایی‌شان، هرگونه تلاش در جهت نپذیرفتن تکرار وقوع آنها، برای تبدیل شدن به یک عرف بین‌الملل رد می‌کند. دسته‌بندی‌های مختلفی در مورد این موافقت‌نامه‌های دوجانبه وجود دارد که برخی براساس وجود یا عدم وجود تحدید حدود در مناطق میزبان منابع طبیعی مذکور است (والد و جمز، ۲۰۰۷، ۴۱۴-۳۹۰). برخی بر مبنای حدود آزادی هر کشور در بهره‌برداری از این منابع پس از امضاء موافقت‌نامه و... . اما در تمام انواع این موافقت‌نامه‌ها چند نکته مشترک وجود دارد که به عنوان اصولی ثابت در همه آنها پذیرفته شده است: ۱) خودداری دولت‌ها از اقدامات یکجانبه و بدون هماهنگی با همسایگان خود در مخزن مشترک ۲) استفاده از بهترین روش برای بهره‌برداری از مخزن مشترک در قالب موافقت‌نامه‌های مرسوم برای رعایت حقوق دولت‌های ذینفع (با توجه به ساختار زمین‌شناسی و مهندسی مخزن و امکانات و توانایی‌های خود). در کل چهار مدل اصلی از موافقت‌نامه‌های دوجانبه همکاری در زمینه منابع مشترک هیدروکربنی (گاز) وجود دارد که عبارتند از: ۱) موافقت‌نامه‌های متضمن واگذاری بهره-بردرای به یک کشور، ۲) موافقت‌نامه‌های متضمن مشارکت دو کشور در بهره‌برداری از منبع مشترک، ۳) موافقت‌نامه‌های بهره‌برداری با ایجاد مقام مشترک، ۴) موافقت‌نامه‌های آحادسازی (کاشانی، ۱۳۸۹، ۱۸۳-۱۸۱).

در روش اول، کشورهای ذی‌نفع با ایجاد یک نظام مشترک و از طریق انعقاد توافق‌نامه به بهره‌برداری از منابع مشترک مبادرت می‌ورزند. در این نوع موافقت‌نامه‌ها شاید به دلیل درگیر نمودن هر دو دولت (یا همه دول) در تمام مراحل بهره‌برداری و استخراج منابع هیدروکربنی می‌باشد که به‌عنوان راه‌حل شایع در زمینه استخراج و بهره‌برداری از میادین مشترک مورد توجه قرار گرفته است (نگوین هونگ تائو، ۱۹۹۹، ۷۹). موافقت‌نامه ژاپن-کره جنوبی ۱۹۷۴، موافقت‌نامه فرانسه - اسپانیا ۱۹۷۴ و موافقت‌نامه تونس - لیبی ۱۹۸۸ از مهمترین موافقت‌نامه‌های بهره‌برداری از منابع مشترک هستند.

مدل دیگر، ایجاد مقام مشترک است. این مدل در واقع پیچیده‌ترین و نهادی‌ترین گزینه‌ی موجود در بهره‌برداری از مخازن مشترک است؛ چرا که مستلزم سطح بالایی از همکاری بین دول ذینفع می‌باشد و درنتیجه حاکمیت ملی آنها کاهش نمی‌یابد. موافقت‌نامه عربستان سعودی - سودان ۱۹۷۴، موافقت‌نامه مالزی - تایلند ۱۹۷۹-۱۹۹۰ (فاکس هیزل، ۱۹۸۹، ۶۲-۶۱)، موافقت‌نامه گینه - سنگال ۱۹۹۳ و پروتکل ۱۹۹۵ از بارزترین نمونه‌های این مدل موافقت‌نامه‌ها است (جی.ری. وی، ۱۹۹۸، ۱۱-۹).

روش دیگر، آحادسازی است. موافقت‌نامه‌های آحادسازی مدلی از موافقت‌نامه‌هاست که در مواردی که در میادین مشترک تحدید حدود صورت گرفته باشد، برای سر و سامان دادن به فعالیت‌های بهره‌برداری و استخراج منابع

هیدروکربنی مشترک (گاز) مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این نوع از فعالیت بهره‌برداری نکته قابل توجه و مهم این است که برنامه آحادسازی به مفهوم انضمام یا ادغام مسائل صلاحیتی نبوده (والد و جمز، ۲۰۰۷، ۳۹۴). و برای تعدیل اثر صلاحیت‌های جداگانه موافقت‌نامه فریج، تفاهمی را بین دو دولت به منظور اطمینان از اینکه کلیه تجهیزات تحت استانداردهای ساخت و ایمنی یک شکل می‌باشند، مقرر می‌گرداند. در صورت موافقت با هر مجوز تولید جزئی یا کلی، دولت متعهد است که بهره‌برداری مستمر از گاز فریج را مطابق با شرایط موافقت‌نامه اصلی و موافقت‌نامه‌های بین دارندگان مجوز تضمین کند. اولین موافقت‌نامه آحادسازی در سطح بین‌المللی موافقت‌نامه نروژ - انگلستان است که در سال ۱۹۷۵ منعقد شد. ماده ۹ این موافقت‌نامه مقرر می‌نماید که: «دو دولت باید با هدف دستیابی به توافق در مورد تعیین حدودها و مخازن تخمین زده شده از ذخایر میدان فریج و اختصاص سهم در آن میدان بین بخش فلات قاره اختصاصی انگلستان و فلات قاره اختصاصی نروژ مشورت کنند». به نظر می‌رسد که موافقت‌نامه‌های آحادسازی با توجه به ماهیت مخازن مشترک و سیال بودن گاز موجود در آن‌ها، نسبت به سایر مدل‌های دیگر از کارایی بیشتری برخوردار باشد، چنانکه در مورد بهره‌برداری از مخازن مشترک مرزی بین دولت‌های دریای شمال طریقه آحادسازی به‌عنوان بهترین گزینه موجود مورد توجه قرار گرفته است (والد و جمز، ۲۰۰۷، ۳۹۴). موافقت‌نامه‌های نروژ - انگلستان و انگلستان - هلند، موافقت‌نامه ونزوئلا - ترینیداد توباگو ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷ و موافقت‌نامه ترکیه - سوریه ۲۰۰۴ از مهمترین مصادیق این موافقت‌نامه‌ها هستند (متیو، ۲۰۰۴، ۶-۲).

یکی از ویژگی‌های روش آحادسازی این است که همه وضعیت‌های ممکن پیش‌بینی می‌شود؛ ۱) وضعیت‌هایی که در آن یک رژیم آتی بهره‌برداری را در وجود یک میدان فرامرزی کشف شده تحدید کرده و سازمان می‌دهد. ۲) وضعیت‌هایی که پیش‌بینی می‌کند در صورت وجود یک میدان شناخته شده، منطقه مشترک مستقل یا غیرمستقل از خط تحدید حدود را ایجاد کند. ۳) وضعیت‌هایی که خالق یک ناحیه بهره‌برداری اشتراکی بدون هرگونه تحدید حدود باشد (ریچارد میز، ۲۰۰۷، ۲). بدین ترتیب همه‌ی صورت‌هایی که ممکن است در منطقه تحت صلاحیت در دولت منبع گاز یافت شود در موافقت‌نامه پیش‌بینی شده و برای آنها ساز و کاز علیحده در نظر گرفته شده است تا با تنظیم یک موافقت‌نامه توسعه مشترک بین دو دولت و موافقت‌نامه آحادسازی بین دارندگان حقوق معدنی، بهره‌برداری از منابع گفته شده را حداکثر رسانده و هزینه‌ها را به حداقل تقلیل دهد (ریچارد میز، ۲۰۰۷، ۷-۵).

بررس روش‌های مورد اشاره بر این امر دلالت دارد که تأکید زیادی بر حل و فصل اختلافات بر سر منابع مشترک از طریق گفتگو و انعقاد موافق‌نامه است. اما در شکل‌گیری قاعده عرفی بین‌المللی مبنی بر الزام دولت‌ها به نوعی همکاری خاص، به نظر می‌رسد که فقدان یک تعهد لازم‌الاجرا برای

همکاری در بهره‌برداری اشتراکی از یک مخزن مشترک باید کمتر از فقدان رویه دولت از سایر شروط امری در تشکیل حقوق بین‌الملل عرفی یعنی باور عمومی، عنصر عینی پذیرش تعهد به عنوان یک امر لازم‌الاجرا در حقوق عمل می‌کند.

هرچند مسئله گذر زمان در تشکیل عرف بین‌المللی در این مورد با اتکا به اینکه هیچ نوعی از قراردادهای بهره‌برداری مشترک که در آن شرط عددی به تنهایی مؤثر باشد وجود ندارد، نیز تعدیل یافته است. اما هنوز نمی‌توان ادعا نمود که به‌عنوان یک قاعده عرفی استقرار یافته است. چنانکه مؤسسه انگلیسی حقوق بین‌الملل و تطبیقی بیان داشته است که: «هر یک از مدل‌های دارای شماری از احتمالات متغییر می‌باشد که به نظر نمی‌رسد تاکنون به خاطر سیستم‌های متفاوت اقتصادی یا سیاسی، سنت‌های متضاد و درجاتی از حساسیت ملی، قابلیت پذیرش مسلط جهانی را به دست آورده باشد» (فاکس هیزل، ۱۹۸۹، ۳۵-۳۴). لازم به ذکر است که رویه دوجانبه دولت‌ها حاکی از آن است که روش بهره‌برداری مشترک یا آحادسازی فرامرزی از یک مخزن مشترک هیدروکربنی، هنوز به دلیل نداشتن عنصر اصلی و اساسی تشکیل عرف بین‌الملل یعنی اعتقاد حقوقی، نتوانسته است به‌عنوان یک قاعده عرفی بین‌المللی مطرح شود.

۵-۳. حدود مناطق دریایی ایران، عربستان و کویت و تحلیل اختلاف میدان گازی آرش

بستر دریا در خلیج فارس دارای دو ویژگی کم‌نظیر است. از یک‌سو این منطقه سرشار از منابع غنی نفت و گاز و سایر منابع معدنی می‌باشد و از سوی دیگر، عرض دریا در آن اندک است. در چنین شرایطی در بسیاری از موارد، میادین نفت و گاز از مرزهای دریایی تعریف‌شده توسط کشورها عبور کرده و موضوع صلاحیت و حاکمیت بیش از یک کشور قرار می‌گیرد و در مواردی که محدوده دریایی بین کشورها فاقد تحدید حدود دریایی است، عرصه مناسبی برای طرح ادعای حاکمیت و تعارض و تقابل منافع پدید می‌آید. از آنجا که موضوع مقاله حاضر اختلافات ایران، کویت و عربستان درخصوص میدان گازی آرش است لذا ابتدا به تحدید حدود مناطق دریایی سه کشور مورد اشاره پرداخته می‌شود.

۵-۳-۱. حدود مناطق دریایی ایران، عربستان و کویت

اولین قانون داخلی ایران در زمینه تعریف مناطق دریایی کشور قانون تعیین حدود آب‌های ساحلی و منطقه نظارت دولت در دریاها مصوب ۲۴ تیر ۱۳۱۳ است که طبق ماده ۱ آن، ۶ مایل دریایی به‌عنوان آب‌های ساحلی و ۱۲ مایل از حد پایین‌ترین جزر به‌عنوان منطقه نظارت تعیین شده است. طبق ماده مذکور کلیه قسمت‌های کف و زیرکف و سطح و مافوق آب‌های ساحلی متعلق به دولت ایران باشد. قانون تعیین حدود آب‌های ساحلی و منطقه نظارت مصوب ۱۳۱۳ در ۲۲ فروردین ۱۳۳۸ اصلاح شد. این رویداد مصادف با آوریل ۱۹۵۹ و بعد از تصویب کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو بود. در ماده ۱ این قانون به جای عبارت

«آب‌های ساحلی» که در قانون پیشین به کار رفته بود، از عنوان «آب‌های سرزمینی» استفاده شد و عرض دریای سرزمین در ماده ۳ به ۱۲ مایل دریایی افزایش یافته است. مبنای احتساب محدوده دریای سرزمینی نیز برخلاف قانون پیشین که پایین‌ترین جزر (خط مبدأ عادی) بود، در این قانون تغییر یافت و مقرر شد که خط مبدأ را دولت با رعایت قواعد مسلم حقوق بین‌المللی عمومی تعیین کند. در این قانون منطقه نظارت پیش‌بینی نشده و قاعده حاکم بر تحدید حدود دریایی سرزمینی بین ایران و کشورهای دارای سواحل مجاور یا مقابل در نبود توافق به شکل دیگر، خط منصف تعیین شده است. در ماده ۶ قانون مذکور، آب‌های بین سواحل ایران و خط مبدأ و همچنین آب‌های بین جزایر متعلق به ایران که فاصله آنها از یکدیگر کمتر از ۱۲ مایل دریایی باشد، جزء آب‌های داخلی قلمداد شده و در ماده ۵ نیز مقرر گردیده کلیه جزایر ایران دارای دریای سرزمینی مخصوص به خود هستند. در قانون مناطق جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان که در سال ۱۳۷۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، حد دریای سرزمینی ۱۲ مایل دریایی از خط مبدأ به نحوی که در مصوبه هیئت وزیران در سال ۱۳۵۲ تعیین شده، اعلام گردیده است. همچنین، طبق ماده ۱۲ این قانون محدوده‌ای به عرض ۲۴ مایل دریایی از خط مبدأ به‌عنوان منطقه نظارت تعیین شده است. در مواد ۱۴ و ۱۵ بدون اعلام عرض منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره، بر حق انحصاری دولت ایران بر منابع جاندار و بیجان بستر و زیر بستر دریا تأکید شده است. تحدید حدود دریای سرزمینی و فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران و سایر کشورها طبق مواد ۴ و ۱۹ این قانون با توافق طرفین و براساس خط منصف صورت می‌گیرد.

درخصوص تحدید حدود مناطق دریایی عربستان سعودی باید گفت که در خلال مباحث کنوانس سوم حقوق دریاها، نماینده این دولت از ایده ۲۰۰ مایل منطقه انحصاری اقتصادی و نه فلات قاره حمایت کرد و این بدان جهت است که به نظر این دولت، ایده منطقه انحصاری اقتصادی منافع این کشور را تأمین می‌کند. در سال ۱۹۷۴ دولت عربستان طی اعلامیه‌ای، منطقه ۲۰۰ مایلی انحصاری اقتصادی را در خلیج فارس اعلام نمود و در موارد تلاقی با فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی سایر کشورها، خط منصف برای تقسیم آن را قابل استناد دانست (دهقانی، ۲۰۰۹-۲۰۰۸، ۸۰). بنابراین می‌توان گفت دولت عربستان در مورد خلیج فارس دریای سرزمینی ۱۲ مایلی، منطقه انحصاری ۱۸ مایلی و منطقه انحصاری اقتصادی ۲۰۰ مایلی را در قوانین داخلی خود اعلام کرده ولی فلات قاره به شکل مستقل به‌عنوان یک منطقه دریایی مجزا اعلام ننموده است.

درخصوص تحدید حدود مناطق دریایی کویت باید گفت که در دوران تحت‌الحمایگی انگلستان عرض دریای سرزمینی کویت ۳ مایل بود. در سال ۱۹۵۵ طی دو قرارداد بین دولت کویت و شرکت نفت کویت که به منظور اعطای امتیاز بهره‌برداری نفت منعقد شد، عرض دریای سرزمینی به ۶ مایل از پایین‌ترین حد جزر تعیین گردید (دهقانی، ۲۰۰۹-

۲۰۰۸، ۸۰). در ۱۷ دسامبر ۱۹۶۷ طی یک فرمان حکومتی عرض دریای سرزمینی به ۱۲ مایل افزایش یافت و در مورد تحدید حدود دریای سرزمینی و منطقه مجاور اصول مندرج در ماده ۱۲ کنوانسیون دریای سرزمینی ۱۹۵۸ قابل اعمال شناخته شد و علاوه بر آن بر حق ماهیگیری این دولت در منطقه مجاور نیز تأکید شد. دولت کویت منطقه انحصاری اقتصادی را اعلام نکرده اما طی اعلامیه ۱۲ ژوئن سال ۱۹۴۹، بر حق حاکمیت و صلاحیت این دولت بر منابع بستر و زیر بستر واقع در دریای آزاد در مجاورت سواحل این کشور تا مرز دریایی دولت‌های مجاور تأکید و اعلام شده تعریف این محدوده براساس مشاوره دولت کویت با این دولت‌ها براساس اصول منصفانه صورت می‌گیرد (اُنوراتو، ۱۹۸۵، ۱۲). ملاحظه می‌شود که دولت‌های ساحلی خلیج فارس، در پرتو قوانین داخلی خود مناطق دریایی را تعیین کرده‌اند. اما تعیین مناطق دریایی، مانع حدوث اختلاف بین دولت‌ها نگردیده است. این در حالی است که اکثر مناطق خلیج فارس سرشار از منابع غنی نفت و گاز بوده و وجود این منابع فی‌نفسه پتانسیل تشدید اختلافات را ایجاد می‌کند. بنابراین، علاوه بر تعریف مناطق دریایی، تحدید حدود نیز ضرورت دارد. تعدادی از کشورهای ساحلی خلیج فارس با اتکا به قوانین داخلی خود در مورد تقسیم مناطق دریای مبادرت به تحدید حدود متقابل مناطق مرزی خود در خلیج فارس کرده‌اند که موضوع میادین مشترک نفت و گاز نیز در این موافقت‌نامه‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

۵-۳-۲. تحلیل اختلاف میدان گازی آرش در پرتو حل و فصل اختلافات کنوانسیون حقوق دریاها

میدان گازی آرش در جنوب غربی جزیره خارگ و در حدفاصل مرزهای ایران، کویت و عربستان واقع شده است. عربستان مدعی است که این میدان مجاور منطقه تقسیم شده (منطقه بی‌طرف سابق) کویت و عربستان است و این دو کشور طبق ضمائم موافقت‌نامه ژوئیه ۲۰۰۰ و همچنین توافق‌نامه اخیر موافقت کرده‌اند که منابع این میدان به‌طور مشترک به وسیله دو کشور مورد بهره‌برداری قرار گیرد (خداپرست و صیادی، ۱۳۹۶، ۴۵). در این میان مشکل دیگری هم به وجود آمد و مسائل تحدید مرزهای دریایی دو کشور را پیچیده‌تر کرد، و آن اعتراض کویت به قانون مناطق دریایی ایران مصوب سال ۱۹۹۳ است. نماینده کویت در سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۹ اوت ۱۹۹۶ با انتشار نامه‌ای به قانون دریایی ایران اعتراض و ادعا نمود که این قانون اصول حقوق بین‌الملل به ویژه کنوانسیون حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲ را نقض کرده است. اعتراض کویت و برخی دیگر از کشورها در مورد خط مبدأ ایران در این قانون بود، هرچند این مسأله جدیدی نبود و خط مبدأ ایران در ۳۱ تیرماه ۱۳۵۲ توسط هئیت وزیران تصویب شده و توسط سازمان ملل منتشر گردیده بود. جالب آنکه هیچ‌گونه اعتراضی هم در آن زمان نسبت به آن صورت نگرفته بود. مشکل دیگر ژئوپولیتیکی در مورد تحدید مرزهای دریایی ایران با کویت، مشخص نبودن نقطه تلاقی مرز ایران، کویت و عربستان در

مقابل منطقه تقسیم شده است. مرز دریایی ایران و عربستان در سال ۱۹۶۸ مشخص گردید. اما با تقسیم منطقه بی‌طرف بین کویت و عربستان، مرز دریایی ایران با عربستان نیز در این جا افراز نشده است. در ابتدای دهه ۱۳۸۰ ایران اقدام به حفر چند چاه اکتشافی در این میدان گازی کرده بود، اما با این وجود توسعه آن را تا هنگامی که خط مرزی با کشورهای مشترک در این میدان تعیین شود، به تعویق انداخت. در مقابل پیگیری ایران، کویت اصرار دارد که قرارداد امضاشده این کشور با عربستان سعودی درخصوص میدان گازی آرش فوراً اجرا شود، چراکه کویت به شدت به منابع گازی احتیاج دارد.

یکی از مهمترین دلایل رویکرد کویت و عربستان در کنار گذاشتن ایران در میدان گازی آرش، موافقت‌نامه مرزی عربستان سعودی و کویت است. در حالی که چنین موافقت‌نامه‌ای میان ایران و با کویت و ایران با عربستان منعقد نشده است. در سال ۱۹۶۵ در طائف موافقت‌نامه‌ای بین دو کشور کویت و عربستان سعوی درخصوص مناطق دریایی میان دو طرف به تصویب رسید (توافق‌نامه تعیین منطقه بی‌طرف، ۱۷۵۰، ۴۸). در موافقت‌نامه طائف، یک کمیسیون مشترک جهت مساحی و تعیین دقیق مرزهای منطقه حائل بین دو دولت ایجاد شده و مقرر شد قسمت شمالی منطقه مذکور به دولت کویت و قسمت جنوبی به دولت عربستان تعلق گیرد. و هریک از آنها در این مناطق اختصاصی اعمال حاکمیت کنند. در عین حال، منابع طبیعی موجود در کل منطقه حائل به هر دو دولت تعلق گیرد. بر این اساس، هر دولت موظف است به حقوق دولت دیگر نسبت به منابع طبیعی مشترک در منطقه حائل احترام گذارد، خواه این منابع در زمان انعقاد موافقت‌نامه موجود باشد خواه در آینده کشف شود. هیچ یک دو دولت نمی‌تواند به اتخاذ تدابیر ملی یا بین‌المللی دولت دیگر را از حقوق خود در این موافقت‌نامه محروم نماید. مطابق ماده ۷ موافقت‌نامه طائف، هریک از دو دولت بر آب‌های سرزمینی مجاور بخش اختصاصی خود در منطقه حائل اعمال صلاحیت می‌کند و دو دولت درخصوص تحدید حدود آب‌های سرزمینی مذکور توافق خواهند کرد. حق حاکمیت هریک از طرفین در استخراج منابع طبیعی، در مناطق دریایی مجاور سهم اختصاصی هریک از طرفین، منحصر به شش مایل دریایی می‌باشد و طرفین متعهد شده‌اند در ماورای شش مایل مذکور اعمال حاکمیت نکنند. مطابق ماده ۸ موافقت‌نامه مذکور، تحدید حدود دریایی در شمال منطقه حائل تابع مقررات معاهده طائف نمی‌باشد. در عین حال، هر دو طرف دارای حقوق مساوی در منابع طبیعی منطقه دریایی مذکور بود و میادین نفتی واقع در ماورای ۶ مایلی دریای سرزمینی منطقه حائل بایستی به صورت مشترک بهره‌برداری شوند.

براساس ماده ۱۱ موافقت‌نامه طائف، قراردادهای امتیاز نفت که قبل از لازم‌الاجرا شدن این موافقت‌نامه منعقد شده به قوت خود باقی می‌ماند و اختصاص مناطقی از منطقه حائل به هریک از طرفین موجب الغای امتیازهای نفت اعطائی قبل از تقسیم منطقه حائل نمی‌گردد و دولت‌ها باید

مقررات قوانین لازم را در این زمینه تصویب نمایند. در ماده ۱۷ این موافقت‌نامه به منظور تضمین تداوم تلاش دو دولت جهت اکتشاف و استخراج متناسب منابع طبیعی در منطقه حائل، یک کمیسیون مشترک تشکیل می‌شود که طبق ماده ۱۸ مرکب از تعداد برابر نمایندگان دولت‌ها بوده و توسط وزرای نفت دو کشور معرفی می‌شوند.

حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای این موافقت‌نامه طبق ماده ۲۲ در وهله اول از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات از جمله رجوع به اتحادیه عرب و در وهله بعد مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری صورت می‌گیرد. دو دولت در سال ۱۹۶۹ یک موافقت‌نامه تکمیلی امضاء کردند که جزء لاینفک موافقت‌نامه طائف می‌باشد و طبق ماده ۱ آن خط مرزی منطقه حائل بین دو طرف براساس مختصات طول و عرض جغرافیایی بر روی نقشه تحدید شد (اسیوپلمن تاری، ۱۹۹۳، ۶۴-۶۲). در سال ۲۰۰۰ موافقت‌نامه[1] تحدید حدود دریایی در مناطق مجاور منطقه تقسیم شده بین عربستان و کویت، منعقد شد. در مقدمه این سند به بر روابط برادرانه و دوستانه دو کشور تأکید شده است. خط مقسم مرز دریایی دو کشور در مناطق مجاور مرز خشکی بین دو کشور بر مبنای مختصات طول و عرض جغرافیایی در مواد ۱ تا ۴ تعریف شده است. در ماده ۵ این سند به ضمیمه این موافقت‌نامه اشاره شده و این ضمیمه جزء لاینفک معاهده تلقی گردیده است. ضمیمه مذکور مقرر می‌دارد «دو دولت توافق می‌کنند که منابع طبیعی واقع در دریا، در مجاورت منطقه تقسیم شده بایستی تحت حاکمیت مشترک باشد.....».

بنابراین ملاحظه می‌شود که تا قبل از دوران تقسیم منطقه حائل، کل این منطقه در خشکی تحت رژیم حاکمیت مشترک قرار داشته و پس از تقسیم نیز منابع طبیعی واقع در بستر وزیر بستر دریا در مجاورت این منطقه فراتر از شش مایل دریایی کماکان مشترک باقی مانده است. این رژیم حتی با وجود معاهده تحدید حدود دریایی سال ۲۰۰۰ بدون تغییر باقی مانده است. درنتیجه تواق‌نامه کویت و عربستان سعودی درخصوص میدان گازی آرش دارای پیشینه حقوقی بوده و برمبنای توافقات دو کشور مذکور درخصوص تحدید منطقه دریایی صورت گرفته است.

در این قسمت ابتدا به عدم تحدید منطقه دریایی مجاور ایران و کویت به‌عنوان عامل اختلاف پرداخته می‌شود و در ادامه از ضرورت حل اختلاف طرفین درخصوص میدان نفتی آرش در پرتو کنوانسیون حقوق دریاها بحث می‌شود.

۵-۳-۲-۱. عدم تحدید منطقه دریایی مجاور ایران و کویت

سواحل ایران و کویت در خلیج فارس در مقابل هم قرار دارد. در سال ۱۹۵۸-۱۹۵۷ اعطای مجوز بهره‌برداری از میادین نفت خلیج فارس از سوی

[1] Agreement Between the Kingdom of Saudi Arabia and the State of Kuwait Concerning the Submerged Area Adjacent to the Divide Zone, 2 July 2000

ایران و کویت در یک منطقه مورد ادعای کویت و ایران، موجب طرح مسئله تحدید حدود دریایی شد. شرکت پان آمریکن از سوی ایران و شرکت نفتی عربی[1] از سوی کویت مجوز بهره‌برداری در این منطقه را دریافت نمودند (اسیوپلمن تاری، ۱۹۹۳، ۱۴۰). ایران مدعی بود مجوز صادره از سوی کویت با مجوز صادره از سوی ایران از حیث منطقه موضوع بهره‌برداری دارای تعارض می‌باشد. متعاقب آن در سال ۱۹۶۳ شرکت ملی نفت ایران دو منطقه را آماده حفاری اعلام نمود و دولت کویت رسماً به موضوع اعتراض و این مناطق را جزء مناطق موضوع حاکمیت خود دانست. در نشست ژنو در سال ۱۹۶۳ بیانیه مشترکی صادر شد و نمایندگان دو کشور بر عزم خود جهت تشکیل کمیسیون مشترک جهت حل مسأله تحدید حدود فلات قاره آنها تأکید کردند. در خلال مذاکراتی که از سال ۱۹۶۹ شروع شد دو دولت توافق کردند که از جزایر کوچک و کم‌اهمیت در بحث تحدید حدود چشم‌پوشی کنند. اما مانع اصلی جزیره خارک از سوی ایران و جزیره فلیکه از طرف کویت و چگونگی محاسبه آنها در موضوع تحدید حدود و همچنین وجود میدان نفتی سروش در میانه خلیج فارس و در محدوده میان دو کشور است (اسیوپلمن تاری، ۱۹۹۳، ۱۴۱). ایران معتقد است که جزیره خارک که در نزدیکی ساحل قرار دارد، باید مبنای اندازه‌گیری در تحدید حدود قرار گیرد که درنتیجه آن میدان نفتی سروش تحت حاکمیت ایران قرار می‌گیرد. از سوی دیگر کویت معتقد است که جزیره فلیکه باید جزء سواحل کویت قرار گرفته و برای آن دریای سرزمینی و فلات قاره محاسبه شود که این امر، مورد مخالفت ایران می‌باشد. در سال ۱۹۷۰ دو کشور توافق کردند که دو جزیره مذکور جزء سرزمین اصلی قلمداد شوند و درنتیجه به‌عنوان خط مبدأ در تحدید حدود قلمداد شوند. اما مانع دیگر یعنی فقدان تحدید حدود در میان کویت و سایر همسایگان آن، موجب شد توافقی صورت نگیرد. بنابراین می‌توان گفت تحدودی حدود دریایی میان دو کشور، پیش‌نیاز حل و فصل اختلافات درخصوص میدان گازی آرش است.

۵-۳-۲-۲. ضرورت حل اختلاف طرفین درخصوص میدان نفتی آرش در پرتو کنوانسیون حقوق دریاها

میدان گازی آرش میان ایران و کویت و عربستان مشترک است. پیشینه مطالعات اکتشافی در میدان نفتی آرش به سال ۱۳۵۲ می‌رسد. زمانی که شرکت ایران پان آمریکن یا آی پک که شرکت مشارکتی بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت آموکو بود، فعالیت‌هایی را انجام داد. در آن زمان ذخیره نفت میدان آرش ۷۴۵ میلیون بشکه نفت اعلام شد. حفاری‌های اکتشافی از سال ۱۳۵۱ با حفر دو حلقه چاه انجام گردید. در سال ۲۰۰۱ عملیات لرزه‌نگاری توسط ایران انجام و ذخایر گاز این میدان ۲۰ تریلیون فوت مکعب اعلام گردید.[2] بخشی از میدان آرش در منطقه حائل بین عربستان و کویت قرار دارد و به میدان الدورا شهرت دارد.

[1] Arabian Oil Company

[2] U.S Energy Information Administration

دولت‌های کویت و عربستان نیز ادعای مالکیت این میدان را دارند. دولت کویت برمبنای مطالعات کمپانی نفتی شل ادعای مالکیت بیش از ۵۰ درصد کل مخزن را دارد درحالی که ایران این ادعا را مردود دانسته و مطابق خط ترسیمی کمپانی آی پک و با توجه قدمت مطالعات انجام شده که مورد اعتراض کویت نبوده معتقد به سهم مساوی و کشور است.[1] در ترازنامه انرژی سال ۱۳۸۵ از میدان آرش به‌عنوان میدان اکتشافی یاد شده که در سال ۱۳۷۹ کشف شده و ذخیره نفت در جای آن ۱۶۸ میلیون بشکه قید شده است (ترازنامه انرژی، ۱۳۸۵، ۱۵۵). در سال ۱۳۸۸ ایران پیشنهاد توسعه مشترک این میدان را به کویت داد. این در حالی است که دولت کویت قانونی را به مجلس نمایندگان این کشور در مورد بهره‌برداری مشترک کویت و عربستان پیشنهاد کرده و دو کشور عربستان و کویت نیز در مورد بهره‌برداری مشترک این میدان در قالب مشارکت در سرمایه‌گذاری به توافق رسیده‌اند. توافق دو کشور عربستان براساس موافقت‌نامه طائف و موافقت‌نامه تحدید حدود دریایی سال ۲۰۰۰ است که حقوق و تکالیف طرفین را در منطقه حائل و مناطق دریایی مجاور آن تعیین می‌کند. کویت هدف خود را تولید ۶۰۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی از میدان دورا را اعلام کرده و مقامات این کشور کل ذخایر گاز این میدان را بین ۳۵ تا ۶۰ تریلیون فوت مکعب اعلام کرده و حتی کویت اعلام کرد که حاضر به خریداری سهم عربستان از این میدان می‌باشد (آنتونی و همکاران، ۲۰۰۶، ۱۲).

اقدامات عربستان و کویت منجر به انعقاد یک قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری بین شرکت عملیات خلیج آرامکو[2] و شرکت عملیات خلیج کویت[3] جهت انجام عملیات اکتشاف در محدوده مورد توافق دو کشور شده است (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۱۰). در ژوئن سال ۲۰۰۶، وزیر انرژی کویت اعلام نمود که با توجه به نیاز این کشور به گاز، قصد دارد ظرف سه سال آینده در آن قسمت از میدان که در آب‌های سرزمینی کویت قرار دارد، تولید را شروع کند و منتظر توافق با ایران نمی‌ماند (اداره میادین فراساحلی کویت، ۲۰۰۷).

در حالی که بین ایران و عربستان موافقت‌نامه تحدید حدود امضا شده، کویت و ایران تاکنون در زمینه تحدید حدود دریایی به توافق نرسیده‌اند. میدان آرش می‌تواند به صورت مشترک و در قالب یک موافقت‌نامه سه‌جانبه توسعه یابد. این امر مستلزم آن است که اولاً مقامات سیاسی دولت‌های ذی‌ربط موافقت اولیه خود را در این خصوص امضا کنند. ثانیاً با توجه به اختلاف ایران و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نهاد مستقل و مشترک همچون یک کمیسیون مشترک بین سه کشور تشکیل و با انجام مطالعات مساحی و اندازه‌گیری حدود دقیق میدان را تعیین نماید و براساس نتیجه اقدامات این کمیسیون، سه کشور در مورد سهم خود توافق نمایند. ثالثاً سه کشور اقدام به انعقاد

[1] Kuwait, S.Arabia to Start Drilling in Arash Field
[2] Aramco Gulf Operation
[3] Kuwait Gulf Oil Co

یک موافقت‌نامه سه‌جانبه توسعه مشترک نمایند که در آن میزان سهم آنها، چگونگی اداره میدان، قانون حاکم و... تعیین شود. دلیل ترجیح مدل توسعه مشترک فقدان تحدید حدود میان ایران و کویت و وقوع بخشی از میدان در محدوده حائل بین کویت و عربستان سعودی است.

۶. نتیجه

رویکرد کنوانسیون ۱۹۸۲حقوق دریاها نسبت به اختلافات دریایی مبتنی بر مذاکره، سازش و داوری است که درخصوص میدان گازی آرش نیز مصداق دارد اما علی‌رغم رویکرد گفتگومحور ایران، دو کشور کویت و عربستان با توافق دوجانبه درخصوص این میدان گازی دست یافته و توافق‌نامه دوجانبه را مبنای اکتشاف و استخراج در میدان گازی مذکور قرار داده‌اند که مغایر با دستورالعکل کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهاست. زیرا در کنوانسیون مورد اشاره، تصریح شده است که طرفین اختلاف نباید به صورت یک‌جانبه اقدام نموده و لازم است براساس حسن‌نیت تا رسیدن به توافق میان همه طرفین، براساس تفاهم عمل نمایند. در شرایطی که دو کشور عربستان و کویت به صورت یکجانبه اقدام کرده‌اند به نظر می‌رسد دولت ایران لازم است رویکرد عملیاتی درخصوص میدان گازی آرش در پیش گرفته و در ضمن اقدام برای اکتشاف و بهره‌برداری، دیپلماسی و مذاکره را دنبال کند به‌خصوص که، قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که به استناد به آن بتوان طرفی را که با تکیه بر تکنولوژی برتر خود بهره‌برداری بیشتری می‌کند، ملزم به توقف عملیات خود نمود. قواعد کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها، صرفاً حاوی دستورالعمل‌هایی درخصوص توسل به روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بوده و در واقع، تعیین‌کننده خط‌مشی‌های کلی درخصوص رفع اختلافات است که مطابق با قواعد کنوانسیون مذکور، لازم است دولت ایران از طریق مجاری گفتگو و مذاکره، اختلافات میدان گازی آرش را تا حصول توافق نهایی پیش ببرد اما به نظر می‌رسد با توجه به توافق عربستان و کویت در این خصوص، لازم است ایران نیز به صورت یک‌جانبه اقدام به بهره‌برداری از میدان گازی آرش نماید. این امر با توجه به اقدامات یک‌جانبه کویت و عربستان در قبال ایران، پذیرفته شده است و مغایر با قواعد کنوانسیون حقوق دریاها قلمداد نمی‌شود. این امر در عمل امکان واداشتن کویت و عربستان به مذاکره و توافق با ایران را افزایش می‌هد. این روش در شرایطی که ایران عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها نیست و به روش‌هایی چون دیوان داوری کنوانسیون حقوق دریاها نمی‌تواند متوسل شود، کارآمدتر به نظر می‌رسد. واداشتن کویت و عربستان به مذاکره و توافق‌نامه وقتی اهمیت پیدا می‌کند که قاعده عرفی همکاری در بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز در موافقت‌نامه‌های دوجانبه تنظیمی میان کشورهای ساحلی خلیج فارس پذیرفته شده است. این قاعده به صورت توسعه مشترک میادین نفت و گاز و درج شرط کلی مخزن مشترک در موافقت‌نامه‌های تحدید حدود دریایی متجلی شده است.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافعی وجود ندارد.

منابع

- بیگ‌زاده، ابراهیم، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، چاپ چهارم، تهران، نشر مجد، ۱۳۹۳.

- ترازنامه انرژی، تهران، وزارت نفت جمهری اسلامی ایران، معاونت برنامه‌ریزی، ۱۳۸۵.

- جعفری ولدانی، اصغر، «ژئوپولیتیک مرزهای دریایی در خلیج فارس»، مجله روابط خارجی، شماره بیست و نه، ۱۳۹۵.

- چرچیل، رابین آلن، حقوق بین‌الملل دریاها، چاپ اول، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۸۳.

- حشمت‌زاده، محمدباقر، غلامی، بهادر، «گاز خلیج فارس؛ فرصت‌ها و تهدیدهای امنیتی»، مجله بررسی‌های مسائل اقتصاد انرژی، شماره دو، ۱۳۸۷.

- خادم، فاضله، «رویکرد آمریکا به خلیج فارس و سیاست‌های این کشور در منطقه»، مجله بررسی‌های مسائل اقتصاد انرژی، شماره دو، ۱۳۸۴.

- خارا رائو، چاندراسی، «دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها: یک ارزیابی»، دوفصلنامهٔ مجلهٔ حقوقی بین‌المللی، شماره سی و سی‌ام، ۱۳۸۴.

- خداپرست، یونس، صیادی، محمد، میادین مشترک نفت و گاز کشور (چالش‌ها، فرصت‌ها و آینده پیش رو)، چاپ اول، تهران، نشر موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۹۶.

- دهقانی، رضا، بررسی ابعاد مختلف رژیم حقوقی حاکم بر منابع مشترک نفت و گاز، مجله سیاست خارجی، دوره سی‌ام، شماره یک، ۱۳۹۵.

- سزاوار، احمد، «چگونگی بهره‌برداری از منابع نفت و گاز مشترک واقع در مرز بین‌المللی از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، مجله فقه و حقوق معاصر، دوره ششم، شماره سیزده، ۱۳۹۹.

- صیرفی، ساسان، «کاربرد خطوط مبدأ مستقیم در تحدید حدود دریایی؛ با نگاه ویژه به تحدید حدود دریایی بین ایران و کویت»، مجله مطالعات حقوق عمومی، شماره سه، ۱۳۹۷.

- صیرفی، ساسان، «تعیین حد خارجی فلات قاره / بررسی ماده ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاها»، مجله مطالعات حقوق عمومی، شماره یک، ۱۳۹۴.

- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، آرا و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۳.

- کاشانی، جواد، منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین‌الملل، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹.

- کسمتی، زهرا، «قواعد حقوق بین‌الملل درخصوص توسعه مخازن نفتی مرزی مشترک»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره بیست و یکم، شماره دو، ۱۳۸۶.

- مدنی، سید ضیاءالدین، «پیامدهای رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها بر علوم دریایی»، فصلنامهٔ اقیانوس‌شناسی، شماره سیزده، ۱۳۹۲.

- نگوین کک دین، حقوق بین‌الملل عمومی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، موسسه اطلاعات، ۱۳۸۴.

منابع لاتین

- Agreement on the Partition of the Neutral Zone Signed at Taif (Saudi Arabia) on 7 July 1965, United Nation Tereaties Series, 1993, No 30549, Vol. 1750.

- Anthony H. Corolesman and Nawaf obid, Saudi Petroleum Security: Challenges and Respones, Working Draft, Center for Strategic and International Studios, Washington DS, 2006.

- David M. Ong, Joint Development of Common Offshore Oil and Gas Deposits "Mere" State Practice or Customary International Law? American Journal of International Law, Vol. 93, No. 4, 1999.

- Dehghani R. Continental Shelf Delimitation in the Persian Gulf, Research Paper, the United Nation-Nippon Foundation Fellowship Programme- Max Planck Institute, 2008-2009.

- Fox H. Joinr development of Offshore Oil & Gas: A model agreement for statees for joint development with explanatory commentary; Published by ICQL, 1989.

- Hooshmand J. International Unitization of Oil and Gas (with Focusing to Potential of Iran), Dissertation as a Partial Fulfillment of the Requirements for Master of law degree (in English), Shahid Beheshti University of Tehran, Faculty of Law: Tehran, 2003.

- I.L.C, Summary of the Work of Commission at Sixty – Second Session, Chapter 2, 2010, A/65/10.

- J.R.V. Prescott, the Gulf of Thailand: Maritime Limits to Conflict and Cooperation, Mima, Kulallumpour, Malaysia. 1998.

- Matthew W. Flint, the Timor Sea Joint Petroleum Development Area Oil and Gas Resources: the Defense Implications, Working Paper, No. 13, Sea Power Center Australia, 2004.

- Nguyen Hong Thao, Joint Development in the Gulf of Thailand, IBRU Boundary and Security Bulletin, 1999.

- Onorato, W.T. A Case Study in Joint Development: the Saudi Arabia – Kuwait Partitioned Neutral Zone, 10 Energy Journal, 1985.

- Rainer Lagoni, "Interim measures pending maritime delimitation agreements", 78 AJIL, 1984.

- Richard Meese, "The France-Canada agreement on the exploration and exploitation of transboundary hydrocarbons fields of 17 May 2005", Oil, Gas & Energy Law Inetlligence, Vol. 5, No. 2, April 2007.

- Supplementary Agreement Confirming the Delimitation of the Boundary Line Dividing the Saudi- Kuwaiti Neutral Zone, United Nation Treaty Series, 1993, Vol. 1750.

- U.S. Energy Information Administration: 2010/07/17. www.eia.doe.gov/cabs/kuwait/gas.html..access: 5 may 2007.

- Walde T, Jemes R. "Cross-Border Unitization and joint Development Agreement: An international Law Perspective", Houston Journal of International Law. Vol. 335, 2007.